

## پیش‌خوانی

در حاشیه انتشار اثری جدید در باب مبارزات جمعیت مؤتلفه اسلامی

در تبیین «خشونت قانونی»

کاظم مقدم



از جمله دشوارترین نوشته‌ها، نوشته‌های تاریخی هستند و زمانی این دشواری بیش از حد خواهد بود که مؤلف در زمان واقعه نباشد و بخواهد واقعیات را آن گونه که بوده است، بنگار. بنابراین هر چه

تلاش کند، راه برای اشتباه و اشکال باقی خواهد ماند و این مشکل در تألیف این کتاب دو چندان شد، زیرا واقعاتی سری در زمانی که آگاهان اصلی آن در بین ما نیستند، مورد تحقیق قرار گرفت و آنان نیز که هستند یاد ایام در ذهنشان دستخوش کوهلت سن شده است و یادآوری آن برایشان چندان آسان نیست. مطلب دیگر اینکه در کتاب‌های غیر تاریخی غلط املائی زیاد مشکل آفرین نیست، زیرا از کلمات پسین و پیشین صحیح آن مشخص خواهد شد، ولی این راحتی در نوشته‌های تاریخی بسیار مشکل می‌نماید، چون اگر یک کلمه یا یک رقم تاریخی اشتباه تایپ یا نقل شود، باید رنج‌ها کشید تا واقع از منقول یافت شود که ما با این مشکل، مخصوصاً در نشریات، روزنامه‌ها و کتاب‌های مورد مراجعه بسیار دست به گریبیم. اما در باب انتشار اثر «خشونت قانونی» درباره اعدام انقلابی حسنعلی منصور، یادآوری چند نکته شایسته است:

۱- در فراهم شدن هر چه کامل‌تر این اثر تلاش زیادی صورت گرفته‌است، بااین همه تردیدی نیست که در آن کاستی‌هایی نیز هست، روشن است در چاپ‌های بعد فرصتی برای کامل‌تر شدن این اثر دست خواهد داد. هر یادوری از سوی خوانندگان و پژوهشگران تاریخی مشارکتی سیاسی برانگیز در جهت زدودن کاستی‌ها و افزونی دستاوردهای مثبت این اثر است. بنابراین مجموعه حاضر پیش‌نویس بخشی از وقایع سال ۴۳ و نیز شرح حال شهیدحاج صادق امانی است که اکنون در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد.

۲- این تردید دامنه مبارزات گسترده‌تر از آن است که در مجموعه‌ها آورده شود، بنابراین مطالبی که در این مجموعه گردآوری شده تنها نمایانگر اندکی از فعالیت‌ها و مبارزات آن شهیدان و الوامق است که از دید نگارنده



اعضای جمعیت مؤتلفه اسلامی در جریان حمله گم‌خوارخونش در راه گاه

پنهان نمانده و تمامی اقدامات و تلاش‌هایی که شهید حاج‌صادق امانی و هم‌زمان وی در چند سال آخر عمر خویش کرده‌اند برای نویسنندگان قابل دسترسی کامل نبوده است، البته هر چند این نوشتار توان انعکاس عظمت روحی این شهیدان را نداد، اما جمله به جمله آن می‌تواند بخشی از حقایق را آشکار و تصویری هر چند کوچک از سبازش‌یادپیری و اسلام‌خواهی آنان را به خواننده ارائه کند.

۳- در بخش اسناد ساواک، حرف‌چوچینی سندها مطابق نگارش اصلی آنها بوده و همچنین از حرف‌چوچینی سرب‌گ سندها نیز نوع طبقه‌بندی آنها خودداری شده که البته به مراجعه به اصل سند دیگر اطلاعات مورد نیاز قابل دسترسی است.

۴- مطالب، اسناد و عکس‌ها اکثراً به ترتیب تاریخی چیده شده‌اند.

مرداری که نیاز به توضیح دارد ـاعم از زندگینامه مختصر افراد و شخصیت‌ها و شرح برخی وقایع و نکات- در پاروقی باضمیمه انتهای کتاب ذکر شده است. فردیبهی است تمامی کسانی که شرایط سخت فعالیت‌های مبارزاتی را در دوران سیاه ستمشاهی درک کرده‌اند و از شکنجه‌گاه‌های مخوف ساواک آگاهی دارند، می‌دانند اعترافات اندک مبارزان در زیر فشارهای جان‌سزا به نگارش درآمده است.

این اثر در مطلع خود مقدمه‌ای از آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی نیز دارد که در بخشی از آن آمده‌است: «مطالع،م تحقیق و بررسی دقیق اسناد، خاطرات و آثار به‌جا مانده از افرادی که در بحبوحه وقایع انقلاب اسلامی آگاهانه نقشی آفرین بوده‌اند، از ضرورت‌ها تاریخ‌نگاری صحیح منطقی با واقعیات است. مرور خاطرات تلخ و شیرین مقطع پرفراز و نشیب و در عین حال غرورآفرین و تاریخی‌ساز دوران مبارزات قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تداعی‌کننده سابقه همسنگری با شهید بزر گوار حاج صادق امانی و همراهانش در ذهن اینجانب است. در شرایط سخت و دشوار سیاسی و اجتماعی مبارزه با رژیم تاندان مسلح پهلوی و دستگاه مخوف امنیتی آن زمان شهید حاج صادق امانی و هم‌زمانش در جمع مبارزان افرادی شجاع، متعهد و معتقد به مبارزه بودند و ثابت‌قدم مشقات آن دوران را تحمل کردند و نهایتاً جمعی از آنان اسلام را در طول حیات خود منشأ خدمات و تأثیرات مفیدی برای پیشبرد مبارزه بودند.امیدواریم این کتاب بتواند برای آشنایی بیشتر محققان و علاءمندان به تاریخ مبارزات مردم ایران مفید و مؤثر و در معرفی چهره واقعی شخصیت‌های مبارز تاریخ انقلاب اسلامی به‌ویژه در جمعیت مؤتلفه اسلامی موفق وثمرثمر باشد.»



میرزا کوچک‌خان جنگلی و روزدغه حفظ اصالت فرهنگی نهضت جنگل در گفت و شنود با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدصادق مزینانی

# «منش دینی» میرزا را دوست و دشمن تصدیق کرده‌اند

محمدرضا کائینی



**روز‌هایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز آغاز قیام ضد استبداد و ضداستعماری زنده ی یاد میرزا کوچک‌خان جنگلی است که تا مدت‌ها، فعل و انفعالات سیاسی و فرهنگی هم‌زمان با خویش و پس از آن را تحت تأثیر قرار داد. از جمله مدخل‌های پژوهش درباره این رویداد، دغدغه حفظ اصالت دینی و فرهنگی این جنبش بود که میرزا کوچک‌خان جنگلی با تأسیس «هیئت اتحاد اسلام» در طریق آن گام برداشت. در گفت‌وشنودی که پیش‌رو دارید، محقق ارجمند جناب حجت‌الاسلام والمسلمین محمدصادق مزینانی به بازخوانی تاریخچه این هیئت پرداخته است.**

■ ■ ■

**به عنوان آغازین سؤال، بهتر است از این نقطه آغاز کنیم که جنبه‌الی نهضت جنگل را از نقطه نظر رهبری و فرماندهی این حرکت چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

بسم الله الرحمن الرحیم. با نگاهی به تاریخچه نهضت‌های معاصر ایران، به خوبی درمی‌یابیم که رهبری نهضت‌های اصیل و آزادی‌بخش عمدتاً در دست روحانیون و علمای شیعه بوده است. میرزا کوچک‌خان، رهبر نهضت جنگل نیز که مستندات تاریخی به جا مانده، همواره در دفاع از احکام اسلام می‌کوشید و منش و سیره و رفت‌آسلایی او را دوست و دشمن تصدیق کرده‌اند. میرزا قطعاً اعتقادات دینی عمیقی داشته و تمام موضع‌گیری‌های او مبتنی بر همین اعتقادات او بوده است. بنابراین نهضت جنگل هم بی‌تردید، بر اساس باورها و احکام الهی و اسلامی بی‌ریزی شده بود. **برخی بر این باورند که نهضت جنگل، نهضتی بی‌برنامه و کور و حتی بعضاً متمایل به گرایشات مارکسیستی بوده است. به نظر شما، به عنوان پژوهشگری که در زمینه نهضت جنگل مطالعاتی داشته‌اید، این دیدگاه چقدر قرین واقعیت است؟**

برای تحلیل درست هر نهضتی، باید شرایط زمانی و مکانی آن را به درستی بشناسیم و سپس درباره آن قضاوت کنیم. نهضت جنگل در دوره‌ای شکل گرفت که کشور توسط بیگانگان اشغال شده و گرفتار شکمخک‌های جنگ‌جهانی اول بود. حکومت تزاری روسیه سقوط کرده و جریان تند و تأثیرگذار کمونیسم زمام امور را در دست گرفته بود. در داخل کشور، ایادی خائن استعمار روس و انگلیس، در همه جا نفوذ داشتند و فقر و بیماری و انواع مصائب و بلاهای سیاسی و اجتماعی جان مردم را به لب رسانده بود. در چنین شرایطی نهضت جنگل به رهبری یک فرد روحانی شکل گرفت. رهبران این نهضت انسان‌های هوشمند و خرمندی بودند. هیئت اتحاد اسلام – که مرکز نقل و معز متفکر نهضت بود- غیر از چند نفر، از علما و روحانیون تشکیل شده بود. این هیئت، سازماندهی و تشکیلات منسجمی داشت و بر اساس برنامه‌های دقیق و کارآمد عمل می‌کرد. با نگاهی به برنامه‌های این هیئت،

## تاریخ

کفتوگو ۸۸۴۹۸۴۹۹



دیدار احمد آذری‌هاپنده،ولایت‌امیرزا کوچک‌خان جنگلی در رشت

**در در جایی است که نویسندگان و مورخان ظاهر ایرانی، اما جیره خوار قدرت‌ها و استبداد داخلی – که حتی تصورش را هم نمی‌کردند که نهضت مردمی بدون وابستگی به یک قدرت خار جی بتواند چنین حرکت حساب‌شده و بسا برنامه‌ای را اجرا کند- در اصالت این حرکت تشکیک کردند. بدیهی است که اینها از اربابان خود در خارج از کشور خط می‌گرفتند. عده‌ای گفتند که هیئت اتحاد اسلام ساخته و پرداخته عثمانی‌ها و جریان فراماسونری و میرزا هم عضو انجمن فراماسون است!**

او ابتدا با علمای بسیاری در این زمینه گفت‌وگو کرد و وقتی توانست تصویر دقیق و روشنی از اتحاد اسلام پیدا کند، به گیلان رفت و هیئت اتحاد اسلامی را پایه‌ریزی کرد. نخستین نمره درخشان ایجاد این هیئت، شکست تیروهای قزاق‌د در ۱۴ ذی‌عده سال ۱۳۳۳ بود. پس از کسب این پیروزی، میرزا خطاب به یاران خود تأکید کرد که رمز پیروزی ما وحدت است و اگر با یکدیگر متفق باشیم، خداوند ما را یاری خواهد کرد. دومین پیروزی هیئت اتحاد اسلام، شکست ضرام‌السلطنه و همیمانان شاهسون او بود که نهایتاً به همستگی خان‌های شاهسون خلخال و هیئت اتحاد اسلام انجامید و در نتیجه، خلخال تبدیل به یکی از قوی‌ترین کانون‌های هیئت اتحاد اسلام شد. میرزا معتقد بود که هیئت اتحاد اسلام طبیعی است که برای درمان بلای خانماسوز تفرقه‌آمده و رمز پیروزی بر هر دشمنی، وحدت مردم، پرهیز از تفاق و دودستگی و اختلاف است.

**هیئت اتحاد اسلام چرا توانست تا این حد در حیات اجتماعی و سیاسی مردم خطه‌شمال نقش آفرینی کند؟**

چون به شکلی سازمان یافته، برنامه‌ریزی شده و منظم، نور امید را در دل همه روشن کرد و در نتیجه جنگلی‌ها توانستند بر پروتوامانی راسخ با کمترین امکانات در جریانات سیاسی گیلان و ایران تأثیرات عمیقی بگذارند و سرمنشا بسیاری از حرک‌های اصلاح‌طلبانه بعد از خود بشوند. البته اتحاد اسلام در بین مسلمانان و مخصوصاً شیعیان حرکت جدیدی نبود و پیش از آن، سیدجمال‌الدین اسدآبادی همین شعارها را با قدرت بیان کرده و در بین مسلمانان، شور و شوق زیادی آفریده بود. او به سراسر بلاد اسلامی سفر کرد و در همه جا از وحدت مسلمانان سخن گفت و کشور‌های بی‌ظنیر و جاودانه‌ای را ارائه داد و سرانجام هم در راه آرمان‌های خود جانش را از دست داد. سیدجمال را درافتند که بعدها بناهای عظیمی بر آن استوار شدند. هیئت اتحاد اسلام یکی از آن بناهاست. تفکرات و آرمان‌های سیدجمال‌الدین توانست اندیشمندان و عالمان بی‌شماری را در کشور‌های شیعی و سنی به تحرک وادارد و در کشور‌های چون ایران، عراق، هند، مصر و… شور و حرکت ضداستعماری را برانگیزد. بزرگان زیادی در سراسر بلاد اسلامی تحت تأثیر اندیشه‌های سیدجمال نهضت‌هایی را به راه انداختند و میرزا کوچک‌خان و هیئت اتحاد اسلام یکی از آنهاست.

**دولت عثمانی هم اتحاد اسلام را پیشنهاد داده بود. اما در ایران روحانیونی همچون شهید آیت‌الله مدرس به این حرکت واکنش نشان دادند. تحلیل شما از این رویداد چیست؟**

دولت عثمانی داعیه رهبری جهان اسلام را داشت، اما از یک‌سو به آلمان نزدیک شد و از سوی دیگر به شکلی ناخواهم‌رانه سیدجمال‌الدین اسدآبادی را –که در تمام عمر علیه‌استعمار جنگید- از بین برد. شهید مدرس از آنجا که سیاستمداری بسیار زیرک و با هوش بود، خیلی زود به اهداف دولت عثمانی پی برد و با طرح اتحاد اسلامی پیشنهادی آنها مخالفت کرد و در نامه‌ای خطاب به مفتی اعظم آنها با کمال شجاعت نوشت: تشکیل دولت اسلامی ممکن نیست مگر با تأیید دهن من حضرت‌علی‌بن‌ابیطالب(ع) است سخن چنان بر دولت عثمانی گران آمد که تهدید کرد به ایران حمله خواهد کرد! شهید مدرس در پاسخ به این تهدید گفت: «من همین قدر می‌دانم که هر کسی بخواهد به سرزمین من تجاوز کند، تفنگ برمی‌داریم و او را می‌کشیم و اگر مسلمان بودند محرز شد، بر او نماز میت می‌خوانیم و دفنش می‌کنیم…»

بنابراین می‌توان به ضرس قاطع گفت که سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شهید آیت‌الله مدرس بیشترین نقش را در ایجاد هیئت اتحاد اسلام داشتند البته فکر تشکیل این اتحاد به سال‌های ۳۳ تا ۳۴ این ایران بر اساس قرارداد ۱۹۰۷ به دو منطقه تقسیم شد، برمی‌گردد. در آن زمان علمای بزرگی چون شهید مدرس، سیدمحمدرضا مساوات، سیدمحمد کمره‌ای، سلیمان اسکندری، سید یحیی ندامانی(ناصرالسلام)، میرزا طاهر تنکابنی و ادیب‌السلطنه سمیعی به فکر تأسیس انجمنی به نام اتحاد اسلام افتادند و بسیار هم کوشش کردند، ولی نهایتاً این میرزا کوچک‌خان بود که این‌ا رزور را محقق کرد.

## روزنامه جوان | شماره ۱۱۱۶ | جوان

کرده است! او می‌گفت که نهضت جنگل با تشویق فون پاشن، سفیر آلمان در ایران و یک آلمانی به نام گانوک، مشهور به هوشنگ که از یاران نزدیک میرزا شد، تأسیس شد.

فرد دیگر ملک‌الشعراى بهیار است که در مشروطه، سوابق درخشانی داشت، ولی ناگهان تغییر منشی داد و حرف‌های بسیار سست و بی‌پایه‌ای از این قبیل زد که دو نفر از دعوات ترک به نام‌های نهاییک و روشن‌بیک به عنوان دعوت به اتحاد اسلام به تهران آمدند و با دموکرات‌های ناراضی متحد شدند و چیزی شبیه لژ فراماسونی را دایر و عضوگیری کردند! مؤسس هیئت اتحاد اسلام این دو نفر و سیدمحمدرضا مساوات بودند. میرزا کوچک‌خان هم عضو مؤسس هیئت اتحاد اسلام بود که به تاثرگی از سردار یحیی و حزب اعتدال جدا شده است و به هیئت اتحاد اسلام پیوست. این حزب بعدها منحل شد، ولی میرزا به اتحاد اسلام اعتقاد داشت. به گیلان رفت و از سوی دعوات ترک و آلمان به او اسلحه می‌رسید! بی‌پایه بودن این نوع ادعاها به قدری واضح است که نیاز به اثبات چندانی ندارد. فقط جای حیرت و تعجب از سیاستمداری چون ملک‌الشعراى بهیار باقی می‌ماند، چون او بی‌تردید از بازی‌ها و حیل‌های سیاسی زمانه خود بی‌اطلاع نبود و معلوم نیست چگونه چنین تحلیل‌های سستی را ارائه داد و دلیر مردان جنگل را که به اعتراف دوست و دشمن، ایران را از تجزیه حتمی نجات دادند، یاغی و عنصر نامطلوب نامیده و از آدم بدنامی چون وثوق‌الدوله فراماسون که قرارداد ننگین ۱۹۱۹ امضا کرده، به نیکی یاد می‌کند! به نظر می‌رسد الطاف و بخشش‌های انگلیس پس از عقد این قرارداد به نشریات، به مذاق او که چنین مدیران نشریه‌ها بود خوش آمده بود که چنین سوابق درخشان مبارزاتی خود را به ننگ دفاع از این قرارداد ننگین، الوده کرده است.

**برای این موضوع سندی هم وجود دارد؟**

علی‌اکبر دهخدا در حاشیه کتاب زندگی احمدشاه با خط خود، اسامی ارباب جرایدی را که از انگلستان پول گرفته بودند نوشته که در بین آنها نام ملک‌الشعراى بهیار، سیدضیاءالدین، زین‌العابدین رهنما، سیدمحمد تدین، علی دشتی، گویا کسرای و… دیده می‌شود.

از جمله افرادی که این سلسله دروغ‌ها را به میرزا نسبت می‌دهد، اسماعیل رائین است که در مقدمه‌ای بر کتاب قیام جنگل یادداشت‌های میرزا اسماعیل جنگلی، لاطالانسی را دربارۀ میرزا به هم می‌بافد و کارهایی را به او نسبت می‌دهد که کمتر کسی قادر است آنها را باور کند. البته وضع اسماعیل رائین که مشخص است و وضعیت او هم به قدری وخیم است که حتی فردی مثل کیانوری هم می‌گوید که در ابتدا ارباب او انگلیس بود و بعد اربایش را عوض کرد و امریکایی‌ها به او دستور دادند کتاب فراموشخانه را چاپ کند و پول حساسی هم به او دادند! در آن کتاب او سعی کرده میرزا را فراماسون جلوه بدهد تا مبارزان واقعی، از یکی از بهترین الگوهای مبارزاتی خود محروم شوند.

**بزرگی چه رسته میرزا کوچک‌خان چه بود که حتی مردم سایر نقاط ایران هم به او چشم‌دوخته بودند؟**

آن روزها ما مدعیان دغل کاری که تحت عنوان آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی برس مردم کلاه می‌گذاشتند و خیانت می‌کردند، فراوان بودند و مردم واقعاً از این همه دروغ و فریب جانشان به لبشان رسیدند. بود. به همین دلیل وقتی میرزا را با همه خلوص، عظومت، خلق‌پسندیده، عدالت‌طلبی و رفتارهای اسلامی دیدند، همه جذب او شدند. حتی از تهران برای میرزا پیام فرستاده می‌شد که بیایید و در تهران قدرت را در دست بگیرید. انگلیسی‌ها قحطی و بیماری و فلاکت را بر مردم ایران تحمیل کرده بودند و مردم بینوا همه چشم‌امیدشان به دلاوران نهضت جنگل و میرزا کوچک‌خان بود. متأسفانه در آن برهه، حتی از دست احزاب سیاسی هم کاری بر نمی‌آمد.

**بسیاری همکاری کوتاه‌مدت میرزا با بلشویک‌ها را برخلاف شعارهای اسلامی نهضت جنگل می‌دانند. تحلیل شما چیست؟**

حکومت جدید شوروی شعارهای اسانددوستانه فراوانی می‌داد و در دل بسیاری از مبارزان دنیا، امید‌هایی را ایجاد کرده بود. میرزا قصد داشت برای مبارزه قاطعانه با استعمار انگلیس، برای مدت کوتاهی، آن هم در چارچوب شرایط بسیار روشن با روس‌ها همکاری کند، ولی هنوز زمان زیادی نگذشته بود که متوجه شد آنها برای ایران نقشه‌های شومی دارند و می‌خواهند حکومتی بیگانه و مخالف دین را بر سرنوشت ملت ایران تحمیل کنند. آنها تحت عنوان دوستی از قتل و غارت و دخالت‌های بی‌جا فروگذار نکردند. میرزا خیلی زود به نیت آنها پی برد و به یاران خود هشدار داد که چون اینها در لباس دوست آمدند، خطرشان از دشمنان بیشتر است!

**وسخن آخر؟**

جنگلی‌ها انسان‌های معتقد و موحدی بودند و انتساب آنها به کمونیسم، دروغ شرم‌آوری بیش نیست. میرزا در برابر کمونیسم و مدعیان آن قاطعانه ایستاد و گفتار و کردار او در این زمینه کاملاً صریح و آشکار است. این شبهه‌افکنی‌ها در واقع خدعه دشمنان برای محروم کردن نسل‌های انقلابی از قهرمانان واقعی این سرزمین است.